

**Narration of Ghadeer in
the book "Tarikh al-Islam" by Shams al-Din Dhahabi**

Hamidreza Motahari¹, Najmeh Salehi²

(DOI): [10.22034/SKH.2023.16990.1459](https://doi.org/10.22034/SKH.2023.16990.1459)

Abstract

Original Article

P 93 -888

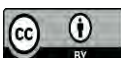
Shiite scholars have emphasized the certainty of the event of Ghadeer Khum and the certainty of its indication of the immediate governorship and caliphate of Amir al-Mu'minin. However, Sunni scholars do not have the same position regarding Ghadeer's Hadith; Therefore, it is very important to examine the works of scientists, especially Sunni historians, in the extent and manner of narrating the hadith of Ghadeer and reporting the incident, and it is important in explaining this incident. Shams al-Din Dhahabi (748 A.H.) is the author of the voluminous and famous book "Tarikh al-Islam wa Wafayat al-Mashahir Wa al-Alam" among the famous Sunni scholars. This research, with the analytical descriptive method and using library sources, aims to discover the manner of Dhahabi's reporting of the Ghadeer incident and his approach and position in expressing Ghadeer's report. The findings of this research show that Dhahabi, in two types of direct and indirect reports, in addition to quoting the verse of Ekmal and verifying its authenticity, reflected the incident of Ghadeer Day, narrated the hadith of Ghadeer, and has adopted three approaches of distorting Ghadeer, weakening the narrators of Ghadeer Hadith, and verifying the event. Due to his religious orientation and tendency towards the Sham historiography school, he did not agree with the implication of Ghadeer's Hadith on Shiite beliefs and criticized it.

Keywords: Dhahabi, History of Islam; Hadith of Ghadeer; historiography

¹. Associate Professor of Ahl al-Bayt (PBUH) History and Sira Research Institute, Research Institute of Islamic Sciences and Culture,
h.motahari@isca.ac.ir.

². PhD student of Islamic history, Bagher al-Uloom University (AS), na.salehi1981@gmail.com

Received: 2022/09/01 | Accepted: 2022/11/11



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

روایت غدیر در کتاب «تاریخ الاسلام» شمس الدین ذهبی

حمیدرضا مطهری^۱ | نجمه صالحی (نویسنده مسئول)^۲
شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/SKH.2023.16990.1459

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

ص: ۱۰۸/۹۳

عالمان شیعی بر قطعی بودن رویداد غدیر خم و روشن و قطعی بودن دلالت آن بر ولایت و خلافت بلافضل امیرالمؤمنین^(ع) تأکید کرده‌اند؛ اما در مقابل دانشمندان اهل سنت در باره حدیث غدیر موضع یکسانی ندارند؛ لذا بررسی آثار دانشمندان به ویژه مورخان اهل سنت در میزان و نحوه نقل حدیث غدیر و گزارش واقعه بسیار مهم است و در تبیین این حادثه اهمیت دارد. شمس الدین ذهبی (۷۴۸ق) صاحب کتاب پر حجم و مشهور "تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والاعلام" از جمله عالمان پرآوازه اهل سنت است. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه-ای، در صدد کشف نحوه‌ی چگونگی گزارش ذهبی از حادثه غدیر و رویکرد و موضع وی، در بیان گزارش غدیر است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ذهبی در دو نوع گزارش مستقیم و غیرمستقیم، افزون بر نقل آیه اکمال و تأیید صحت آن، حادثه روز غدیر را منعکس کرده، حدیث غدیر را نقل نموده و سه رویکرد تحریف غدیر، تضعیف روایان حدیث غدیر و تأیید واقعه غدیر را اتخاذ کرده است. وی به سبب گرایش مذهبی و تمایل به مکتب تاریخ‌نگاری شام با دلالت حدیث غدیر بر عقاید شیعی موافق نبوده و آن را نقد کرده است.

واژگان کلیدی: ذهبی؛ تاریخ الاسلام؛ حدیث غدیر؛ تاریخ‌نگاری.

^۱ . دانشیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. h.motahari@isca.ac.ir

^۲ . مدرس مجتمع آموزش عالی بنت الهدی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. Salehi@hoda.miu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶



مقدمه

رویداد غدیر که در روز هجدهم ذی‌الحجه سال دهم هجری در مسیر مکه به مدینه و در شرایط خاص رخ داد، نخست توسط اصحاب، سپس توسط تابعین و تعداد قابل توجهی از عالمان شیعه و اهل سنت در ادوار بعد، نقل و گاهی تبیین شده است. بررسی رویکرد دانشمندان اهل سنت و عالمان پرآوازه و تأثیرگذار این طایفه می‌تواند در تبیین حادثه و حدیث غدیر مؤثر باشد. مورخان و محدثان بزرگی از اهل سنت، کتاب‌ها و رساله‌های مستقلی در خصوص غدیر تألیف کرده و یا در آثارشان به فراخور بحث، به غدیر اشاره نموده‌اند که "ذهبی" یکی از این عالمان است.

شمس‌الدین محمد بن احمد مشهور به ذهبی (۶۷۳-۷۴۸ق) از بزرگترین مورخان رجالی حدیث‌شناس اهل سنت، نویسنده ده‌ها کتاب رجالی و تاریخی بوده و متخصص در دانش رجال و جرح و تعدیل راویان و اخباریان است. بررسی اثر وی، به‌عنوان یک منبع تاریخ‌نگاری، افزون بر روشن ساختن رویکرد این عالم پیرامون بحث غدیر، پژوهشگران را به نگاه نقادانه در آثار قدما، ترغیب می‌نماید.

در باره پیشینه این پژوهش لازم است اشاره کرد، مقاله یا کتابی با مسأله این نوشتار، یافت نشد لکن تألیفاتی در مورد غدیر انجام گرفته است از جمله معروف‌ترین آن‌ها در منابع شیعه، کتاب الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، اثر دانشمند بزرگ علامه امینی (ره) و در منابع اهل سنت مانند حدیث الولاية فی طرق حدیث الغدیر اثر ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید همدانی، که اسناد حدیث غدیر را جمع آوری نموده است. در دوره کنونی تألیفاتی همچون، کتاب غدیرشناسی و پاسخ به شبهات، نوشته علی‌اصغر رضوانی به غدیر و ضرورت آن در احادیث و آیات غدیر و شبهات مربوط به آن پرداخته است. مقاله‌ای با عنوان رویکردهای سه‌گانه بزرگان تاریخ اهل سنت به غدیر نوشته سید مرتضی حسینی، در فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی، ش ۴۸، ۱۳۹۳ نیز به مقوله غدیر و رویکردهای علمای اهل سنت پرداخته است.

تفاوت مقاله حاضر با آثار پیشین، بررسی غدیر به طور خاص در کتاب تاریخ الاسلام است و دیدگاه ذهبی به عنوان یکی از علمای قرن هشتم با توجه به کتاب مذکور، بررسی می‌شود؛ لذا پس از مفهوم‌شناسی، نگاهی اجمالی به زیست‌نامه ذهبی و کتاب تاریخ الاسلام، گزارش‌های ذهبی در آن کتاب، بررسی و ارزیابی خواهد شد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. غدیر

واژه غدیر در زبان عربی به آب‌گیرهایی باران و سیلاب گفته می‌شود (جوهری، ۱۹۵۶: ۷۶۶/۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۹/۵). از نظر جغرافیایی، حُم، آب‌گیری در وادی جُحفه و در چهار منزلی مسیر مکه به طرف مدینه بوده است (ابن خردادبه، ۱۸۸۹م: ۱۳۱؛ مقدسی، ۱۸۷۷م: ۱۰۶؛ حموی، ۱۹۷۷م: ۲۱۱۱). وادی جحفه، میقات کاروان‌های حاجیان مصر و شام است اگر وارد مدینه نشوند. (مقدسی، ۱۸۷۷م: ۷۸؛ حموی، ۱۹۷۷م: ۱۱۱/۲؛ شافعی، ۲۰۰۱م: ۳۴۸/۳؛ ابن حنبل، ۱۳۱۳ق: ۱۳۰/۲؛ شیخ صدوق، ۱۴۲۹ق: ۳۰۳/۲؛ شیخ مفید، ۱۴۳۰ق: ۳۹۵).

بنا به گزارش منابع تاریخی و حدیثی، پیامبر اکرم (ص) در هنگام بازگشت از تنها سفر حج خود، در روز هجدهم ماه ذی‌الحجه سال دهم هجری، مسلمانان را در سرزمین جحفه جمع کرده و در آن‌جا، خطبه‌ای طولانی و مفصل ایراد فرمودند. اصل این واقعه، در بسیاری از منابع حدیثی و تاریخی و از طرق متعدد، نقل شده است. خطبه رسول الله (ص) در آن واقعه، در برخی از منابع، به نقل از زید بن ارقم (ابن طاووس، ۱۴۱۳ق: ۵۷۸-۵۹۰؛ عاملی نباطی، ۱۳۸۴ق: ۳۰۱/۱-۳۰۴)، از حذیفه بن الیمان (ابن طاووس، ۱۴۱۴ق: ۴۵۴/۱-۴۵۶) و از امام باقر علیه السلام (فتال، ۱۳۷۵ش: ۸۹/۱-۹۹؛ طبرسی، ۱۳۸۶ش: ۵۵/۱-۶۶؛ ابن طاووس، ۱۳۱۴ق: ۳۴۳-۳۶۱) به‌طور کامل نقل شده است.

۱-۲. حدیث غدیر

حدیث غدیر از معدود احادیث متواتری است که بسیاری از صحابه و تابعین در طبقات مختلف و در دوره‌های گوناگون به نقل آن پرداخته‌اند؛ به مثابه‌ی که تا به امروز نسبت به سند آن تردیدی وجود نداشته است. حاکم نیشابوری در مورد صحت سند آن تصریح کرده و گفته: «هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین؛ هذا حدیث صحیح علی شرط مسلم». (حاکم نیشابوری، ۲۰۰۲: ۱۱۸/۲) مؤلف کتاب مجمع الزوائد، پس از نقل حدیث مذکور از احمد بن حنبل و طبرانی می‌گوید: «رجال احمد ثقات». وی در جای دیگری می‌گوید: «رواه احمد، و رجاله رجال صحیح» (هیثمی، ۱۹۹۴م: ۱۲۹/۹ و ۱۳۰). ذهبی در کتاب سیر اعلام النبلاء به متواتر بودن حدیث غدیر اعتراف کرده، می‌گوید: «هذا حدیث حسن عال جداً و متنه متواتر» (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۳۳۳/۷). اعتبار این واقعه و درستی سند آن موجب شده است، که بسیاری از علما و اندیشمندان جهان اسلام در باره این واقعه عظیم، کتاب‌های مستقل بنگارند.

در چنین روزی بود که پیامبر (ص) در خطابه‌ای تاریخی در مقابل آن جمعیت انبوه، امیرالمؤمنین علی (ع) را به امامت و جانشینی خود برگزیدند. در کتاب‌های علما و اندیشمندان شیعه، این واقعه به طور گسترده‌تر بیان شده؛ چنان‌که مرحوم طبرسی در کتاب الإحتجاج، این خطبه را به صورت مشروح نقل کرده است (طبرسی، ۱۳۸۶ش: ۷۱/۱). آیه ۶ و ۶۷ سوره مائده در باره واقعه غدیر نازل شده و این خود سبب ماندگاری حدیث غدیر و اعتبار بیش‌تر آن شده است. خلاصه‌ای از این واقعه بزرگ تاریخی، را ذهبی در آثار تاریخی خود منعکس نموده؛ چنان‌که در دیگر منابع اندیشمندان اهل سنت نیز آمده است.

۲. نگاهی به زیست‌نامه ذهبی

ذهبی (۶۷۳-۷۴۸) از علمای محدث شامی و مورخ نیمه نخست قرن هشتم هجری، نویسنده مشهور رجالی و تاریخی و متخصص دانش رجال و جرح و تعدیل راویان، اخباریان و محدثان است (خواند میر، ۱۳۷۹: ۷). او به بقایای کتب سده‌های اول اسلامی دسترسی داشته است. (ذهبی، ۱۳۸۷: ۴/۱)

ذهبی در خانواده مذهبی و اهل علم متولد شد و رشد کرد؛ چنان‌که دایه او که عمه‌اش بود اجازه نقل روایت داشت؛ چنان‌که دایه‌اش نیز از اهل علم بود و ذهبی از او روایت نقل کرده است. حتی برادر رضاعی‌اش علی بن ابراهیم بن داوود بن عطار (م ۷۲۴) که استادانی از شهرهای مختلف داشته، برای او اجازه روایت می‌گیرد و ذهبی از این اجازه نقل روایت، بهره فراوانی برده است (ابن حجر، ۱۴۱۴: ۵/۳-۶ و ۳۳۶). وی از جوانی به کسب علم پرداخته و همزمان شنیدن حدیث نزد استادان و تحصیل علوم حدیث را آغاز کرده است (سبکی، ۱۹۶۴: ۱۰۲/۹ و ۱۰۳) از میان شیوخ و معاصران او که تأثیر پذیری متقابل داشته‌اند، می‌توان به تقی‌الدین ابن تیمیه حرانی (م ۷۲۸ق)، جمال‌الدین مزنی (م ۷۴۲ق)، علم‌الدین برزالی (م ۷۳۹ق)، سبکی (م ۷۵۶ق) و ابن کثیر (م ۷۷۴ق)، اشاره کرد (سبکی، ۱۹۶۴: ۱۵۹/۱). در دوران زیست ذهبی، دمشق از مراکز بزرگ علمی به شمار می‌رفت و علوم دینی به‌ویژه حدیث و قرآن، جایگاه خاصی داشت. آغاز حیات و فعالیت علمی ذهبی را می‌توان ابتدای قرن هشتم هجری در عصر رونق فرهنگی و اقتصادی دمشق و در دوره ممالیک (حک: ۶۴۸-۷۸۴)، به حساب آورد که وی به تلخیص بسیاری از کتاب‌ها در علوم گوناگون پرداخت و به تألیف تاریخ الاسلام مشغول شد و در سال ۷۱۴ قمری آن را به پایان رساند. (خرمشاهی، جوادی و فانی، ۱۳۷۹: ۳۲)

ذهبی از مروجین عقاید احمد بن حنبل (خرمشاهی، جوادی؛ فانی، ۱۳۷۹: ۳۰) بود. او با ابن تیمیه مصاحبت زیاد داشته و در کتاب تذکره الحفاظ از وی تمجید کرده و ایشان را شیخ الاسلام معرفی نموده است (ذهبی، ۱۴۱۳م: ۱۹۲-۱۹۴). ذهبی ابتدا از طرفداران و حامیان ابن تیمیه بود؛ اما هنگامی که دیدگاه‌های افراطی وی را دید نامه‌ای تند برای او نوشت و در دو کتاب زغل العلم و النصیحه الذهبیه، استادش را نصیحت نمود. روحیه نقادانه ذهبی را در زغل العلم می‌توان به خوبی مشاهده کرد. (ر.ک، ذهبی، بی تا: ۳۸)

برای ذهبی ۲۷۰ اثر در زمینه‌های مختلف شمرده شده است که مشهورترین آن‌ها عبارتند از: تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تذکره الحفاظ، دول الاسلام، سیر اعلام النبلاء، العبر فی خبر من عینر، میزان الاعتدال فی نقد الرجال. (ر.ک خرمشاهی، جوادی و فانی، ۱۳۷۹: ۳۲)

ذهبی کتابی با عنوان فتح المطالب فی فضائل علی بن ابی طالب داشته و رساله‌هایی نیز در باره «حدیث طبر» و «حدیث مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ»، تألیف کرده است؛ اما فقط نسخه‌ای از رساله «طُرُق حَدِيث مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ» وی در کتابخانه دانشگاه تهران (نسخه ش ۱۰۸۰، برگ‌های ۲۱۱ - ۲۲۳) یافت شده، که اخیراً به چاپ رسیده است. این کتاب حاوی ۱۲۵ روایت با اسناد مختلف از حدیث غدیر می‌باشد که از منابع مختلف فراهم آمده است. او در این اثر، از چندین ماخذ مهم که به‌طور مستقل در باره حدیث غدیر نگاشته شده، که از آن جمله می‌توان کتاب «الولایه» تألیف محمدبن جریر طبری، و کتاب «الولایه» از ابن عقیله را نام برد، استفاده کرده است. عبارت آغازین رساله یاد شده چنین است: «حدیث مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ» از احادیث متواتر است که به‌طور یقین از رسول خدا (ص) صادر شده و گروه بسیاری، از طرق صحیح و حسن و ضعیف، آن را روایت کرده‌اند» (ر.ک: ذهبی، بی تا: رساله «طُرُق حَدِيث مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ»)

باید اشاره کرد که نوشته‌های مستقل ذهبی در باره غدیر و امیرالمؤمنین (ع) عمدتاً از بین رفته؛ اما توجه به گزارش‌های او در آثار باقی مانده، نشان می‌دهد که نگاه او به علی (ع) همراه با تکریم بوده و به نظر او آن حضرت در میان اصحاب رسول خدا (ص) جایگاه ویژه‌ای داشته است. نقل روایت‌هایی در آثار مختلف با مضمون تبریک خلیفه دوم برای ولایت امیرالمؤمنین (ع) در روز غدیر، بشارت پیامبر اکرم (ص) به بهشتی بودن حضرت، (ابن کثیر، ۱۹۹۰م: ۱۴۷/۱۱؛ خطیب بغدادی، ۲۰۱۱م: ۲۲۱/۹) همچنین اظهار شگفتی از کتاب طبری در باره غدیر - که اکنون در دسترس نیست از توجه ذهبی به ایشان و حادثه غدیر حکایت دارد. وی در کتاب سیر اعلام النبلاء - از معتبرترین کتب اهل سنت در علم رجال - در این باره می‌نویسد: محمد بن جریر طبری اسناد روایت

غدیرخم را در چهار جلد جمع‌آوری کرده است که من قسمتی از آن را دیدم و از گستردگی روایات آن شگفت‌زده شدم و یقین کردم که این اتفاق افتاده است (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۲۷۷/۱۴) ابن کثیر نیز به نقل از استادش ذهبی، به تواتر حدیث غدیر و صدور قطعی آن از رسول خدا (ص) اشاره کرده و روایت‌های متعددی را در تبریک خلیفه دوم نقل می‌کند. (ابن کثیر، ۱۹۹۰م: ۱۴۷/۱۱)

این دانشمند بزرگ قرن هشتم در بیش‌تر آثارش (از جمله در تذکره الحفاظ) به حدیث غدیر و حوادث آن توجه کرده؛ اما کتاب تاریخ الاسلام از مرجعیت خاصی در میان کتب تاریخی او در اهل سنت برخوردار است و بررسی حدیث غدیر در این کتاب به عنوان مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتاب تاریخی ذهبی در خصوص رویدادهای صدر اسلام، اهمیت زیادی دارد.

با این حال، نباید نادیده گرفت که او در عین حال که دارای جامعیت علمی بوده و تا حدی منصفانه‌تر از بسیاری دیگر، به غدیر و حتی شخصیت امیرالمؤمنین (ع) نگاه کرده، دارای تعصب قابل توجهی نیز بوده است.

سبکی شاگرد ذهبی، اظهار امیدواری کرده که خدا استادش را به سبب این تعصب مؤاخذه نکند (نوری، مهریزی، زمانی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۹۲/۱) تعصب زیاد ذهبی نسبت به شیعه، تا آن جا است که وقتی در تألیفاتش از شیعه یاد می‌کند غالباً با عبارت «لا بارک الله فیهم و لا رعاهم الله» و مانند آن همراه است.

کتاب «تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام» از مهم‌ترین منابع تاریخی قرن هشتم هجری است که حوادث دوره اسلامی را تا سال ۶۲۰ق در قالب ۴۶ جلد در بردارد. این کتاب به شیوه مورخان مکتب شام تدوین شده است - مکتب شام یکی از مکاتب تاریخ‌نگاری اسلامی است که به سیره نبوی و مغازی رسول خدا (ص) توجه کرده و رویکرد آن‌ها به سیر و مغازی از منظر تاریخ و حدیث می‌باشد - جلد اول و دوم این کتاب به سیره نبوی و مغازی رسول خدا (ص) و جلد سوم به دوره خلفای راشدین اختصاص دارد. در مجلدات بعدی، بر اساس سال‌شمار؛ به ثبت حوادث تاریخ اسلام تا سال ۶۲۰ق پرداخته است. از ویژگی‌های این کتاب سوق دادن تاریخ‌نگاری مرسوم مکتب شام (توجه به سیره و مغازی) به سمت تاریخ‌نگاری عمومی، توجه به وقایع مهم و اعلام تا اوایل قرن هفتم هجری که در برخی موارد منحصر به فرد است و توجه خاص به روایات اصحاب، تابعین و تابعین تابعین به صورت طبقه‌بندی شده دارد.

۳. رویکردهای ذهبی در مورد غدیر در تاریخ الاسلام

در گزارش واقعه غدیر در کتاب تاریخ الاسلام، سه رویکرد را می‌توان مشاهده کرد. این رویکردها تحت عنوان تحریف غدیر، تضعیف راویان حدیث غدیر و تأیید واقعه غدیر، قابل بررسی است که در ادامه بدان‌ها پرداخته می‌شود:

۳-۱. تحریف غدیر

یکی از آیات مشهور قرآن کریم که در روز غدیر نازل شده، آیه سوم سوره مائده، معروف به آیه اکمال، است؛ در برخی منابع تفسیری و حدیثی اهل سنت، نزول این آیه را در روز عرفه گفته‌اند. ذهبی نیز در کتاب تاریخ الاسلام، به مانند کتاب‌های حدیثی اهل سنت، با وجود آنکه نزول این حدیث را در حجة الوداع پذیرفته؛ اما شأن نزول این آیه را روز عرفه دانسته است (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۷۰۸/۲).

روایاتی نیز در منابع شیعی وجود دارند که (مانند روایات اهل سنت)، نزول این آیه را در روز عرفه و شأن نزول آن را مسأله ولایت می‌دانند (کلینی، ۱۳۷۷ق: ۲۹۱/۱) و این در حالی است که منابع اهل سنت به آن نمی‌پردازند و آیه مزبور را مرتبط به ولایت نمی‌دانند.

۳-۲. تضعیف راویان حدیث غدیر

رویکرد دیگر ذهبی در این کتاب، تضعیف راویانی است که حدیث غدیر را نقل کرده‌اند؛ وی به مانند دیگر آثار خود، راویان احادیث در فضیلت اهل بیت (علیهم السلام) را تضعیف کرده است. ذهبی در ضمن نقل حدیث غدیر خم، حدیث غدیر را به نقل از عامر بن سعد نقل کرده است که در سند آن، شخصی به نام ابراهیم بن منذر قرار دارد، و وی را تضعیف کرده است. (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۶۲۷/۳)

۳-۳. تأیید حدیث غدیر

۳-۳-۱. تأیید ضمنی و صریح

رویکرد سوم ذهبی در کتاب تاریخ الاسلام در موضوع حدیث غدیر، تأیید این حدیث است. وی به دو صورت این حدیث را تأیید کرده است. گاهی حدیث غدیر را به صراحت تأیید می‌کند و گاه هیچ سخنی در مورد آن نگفته یا به عبارتی سکوت کرده است. بر اساس رویکرد غالب ذهبی در کتاب‌های تاریخی، تراجم و رجال خویش که اگر حدیثی را نادرست بدانند، به صراحت به آن اشاره می‌نمایند، عدم ذکر سخنی در این زمینه، می‌تواند دلیلی بر قبول حدیث باشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد بسیاری از

احادیثی که در مورد واقعه غدیر خم در کتاب تاریخ الاسلام ذهبی نقل شده، مورد تأیید او بوده است و این احتمال وجود دارد که یکی از منابع اصلی کتاب تاریخ الاسلام ذهبی، کتاب محمد بن جریر طبری باشد؛ زیرا این کتاب (که در چهار جلد تألیف شده و به صورت دوجلدی نیز طبع گردیده)، تا قرن هشتم در دسترس علما، محدثان، مورخان و فقها بوده است (حموی، ۱۳۵۷ش: ۸۵/۱۸؛ ابن کثیر، ۱۹۹۰م: ۱۱/۱۴۷) و ذهبی نیز در آثار خود رویت این کتاب را گزارش کرده است (ذهبی، ۱۴۲۲م: ۱۴/۲۷۷). این کتاب به نظر ذهبی متقن بوده به حدی که او را شگفت‌زده کرده است (ذهبی، ۱۴۱۹م: ۲/۲۵۳) بنابراین، می‌توان گفت که ذهبی تحت تأثیر این کتاب، بسیاری از احادیث غدیر خم را تأیید نموده است.

ذهبی در کتاب تاریخ الاسلام، مناشده‌ای از امیر المؤمنین^(ع) نقل کرده است (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۳/۶۳۲). این مناشده که هم از طریق زید بن ارقم (م ۶۵ یا ۶۶ ق) و هم از طریق ابن ابی لیلی (د ۸۳ق/۷۰۲م) نقل شده، یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین گزارش‌های واقعه غدیر و همچنین از قدیمی‌ترین استدلال‌های شیعیان به این واقعه است. نکته جالب در نقل مناشده از طریق زید بن ارقم، این است که ذهبی می‌نویسد: این حدیث را ابن عساکر با سندهای متعددی نقل کرده است که همگی همدیگر را تأیید می‌کنند -یصدق بعضه بعضا-؛ اما در نقل ابن ابی لیلی هیچ سخنی در این زمینه نگفته و همانطور که اشاره شد، می‌توان استنباط کرد که او این حدیث را قبول داشته است.

ذهبی در جای دیگری از کتاب تاریخ الاسلام (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۳/۶۲۹) حدیث دیگری را از زید بن ارقم نقل کرده و آن حدیث را نیز تأیید نموده است. در همان صفحه از کتاب، حدیث غدیر را از بریده اسلمی (م ۶۳ق) نقل کرده و آن را نیز صحیح دانسته است. حدیث دیگر در این زمینه، حدیثی از شعبه در مورد غدیر است (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۳/۶۲۸) که آن را نیز درست می‌داند.

۲-۳-۳. تأیید از طریق نقل احادیث مرتبط

علاوه بر حدیث غدیر، احادیث دیگری در فضائل امیر المؤمنین^(ع) در کتاب تاریخ الاسلام نقل شده است که از نظر مضمونی شبیه حدیث غدیر و به نوعی تأیید آن هستند. یکی از این احادیث، حدیث معروف «علی منی و انا منه و هو ولیکم (یا ولی کل مؤمن) بعدی» است. ذهبی در چند جای کتاب تاریخ الاسلام این حدیث را نقل کرده است. (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳/۶۲۸؛ ۶۳۱).

۴. گزارش‌های تفصیلی روایات غدیر

۴-۱. گزارش‌های مستقیم

الف. گزارش نسائی. مسمار از پدرش از عامر بن سعد از پدرش روایت کرده که می‌گفت قسم به خدا شهادت می‌دهم که رسول خدا در روز غدیرخم از شانه‌ی علی^(ع) گرفت و فرمود: آی مردم، مولای شما کیست؟ گفتند: خدا و رسولش مولای ما است؛ فرمود هر که را من مولایش بودم، پس علی^(ع) مولای او است، خدایا دوست بدار کسی که علی را دوست دارد و دشمن بدار کسی که علی را دشمن دارد. ذهبی می‌نویسد که قول نسائی ضعیف است. (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۶۲۷/۳)

ب. گزارش فطر بن خلیفه. فطر بن خلیفه، از ابی‌الطفیل روایت کرده است حضرت علی^(ع) مردم را در رحبه گرد آورد و فرمود: شما را به خدا سوگند، هر مرد مسلمانی که غدیر خم را به خاطر دارد و سخنی را که در آن روز از رسول خدا^(ص) شنیده است، از جا برخیزد و شهادت دهد. افراد بسیاری شهادت دادند و اعلام کردند آن هنگام که رسول خدا^(ص) دست امیرالمؤمنین علی^(ع) را به دست مبارک خود گرفت، خطاب به مردم فرمود: آیا می‌دانید که من شایسته‌تر به مؤمنان از خود آن‌ها می‌باشم؟ همگی فرمایش رسول خدا^(ص) را تصدیق کردند. رسول خدا^(ص) فرمود: هر کس من مولای او هستم، این علی مولای او است، پروردگارا! دوست علی را دوست بدار، و دشمن علی را دشمن بدار. سپس زید بن ارقم به من گفت: شنیدم رسول خدا^(ص) این مطالب را برای او فرمود. (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۶۳۲/۳)

ج. گزارش یزید بن ابی‌زیاد. یزید بن ابی‌زیاد، از عبدالرحمن بن ابی‌لیلی، نقل کرده است که علی^(ع) مردم را برای مناشده در رحبه جمع کرد و عبدالله بن أحمد نیز در مسند پدرش، مثل آن روایت ذکر کرده از سماک بن عبید، از ابن ابی‌لیلی، به طرق دیگری که ابن‌عساکر آن را در ترجمه انداخته است. (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۶۳۲/۳)

د. گزارش زید بن ارقم. کامل ابوالعلاء، از حبیب بن ابی‌ثابت، از یحیی بن جعد، از زید بن ارقم، روایت کرده است که رسول الله^(ص) در روز غدیرخم فرمود: «هر کس من مولای اویم پس علی مولای اوست». (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۶۳۲/۳)

ه. گزارش براء بن عازب. براء بن عازب از پیامبر^(ص)، در سفر غدیر خم نقل کرده است: پس از آن که نماز خواندیم، پیامبر^(ص)، دست علی بن ابی‌طالب، کرم الله وجهه، را گرفت و فرمود: آیا من به مؤمنان از خود آن‌ها سزاوارتر نیستم؟ همه تصدیق کردند. باز فرمود: آیا من نسبت به تک تک مؤمنان از خود آن‌ها سزاوارتر نیستم؟ باز هم بله گفتند. سپس اشاره به حضرت علی^(ع) کرده و

فرمود: هرکس من مولای اویم علی مولای اوست. سپس فرمود: پروردگارا! دوست علی را دوست بدار، و دشمن او را خوار و ذلیل فرما. در این روایت سلسله سند محذوف است. براء در ادامه گفت: "عمر بن خطاب، علی (ع) را ملاقات کرد و گفت: گوارایت باد ای ابن ابی طالب بر هر مومن و زن مومنه‌ای مولا گردیدی. (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۹/۲۷)

۲-۴. گزارش‌های غیر مستقیم

واقعه و حدیث غدیر به صورت غیر مستقیم نیز گزارش شده است. در این نوع گزارش، بدون نام بردن از عنوان غدیر و شرایط زمانی و مکانی روایت به متن و محتوای حدیث یا خطبه غدیر توجه شده است. موارد ذیل را می‌توان از نوع گزارش‌های غیر مستقیم محسوب نمود:

الف. گزارش اعمش. اعمش از سعد بن عیبده، از عبدالله بن بریده، از پدرش نقل می‌کند که: رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: هرکس من ولی اویم، علی ولی اوست. (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۶۲۹/۳)

ب. گزارش غندر. غندر گزارش می‌کند: شعبه، از میمون ابی عبدالله، از زید بن أرقم، روایت کرده که نبی خدا (ص) فرموده: هرکس من مولای اویم، علی مولای اوست. وی سپس تصریح نموده و گفته: «هذا حدیث صحیح». (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۶۲۹/۳)

ج. گزارش یحیی بن آدم. یحیی بن آدم، از اسرائیل، از جدش روایت می‌کند؛ نسائی در الخصائص از او نقل کرده که پیامبر خدا فرموده است: ... علی از من است و من از اویم و او ولی هر مؤمن بعد از من است. ذهبی در باره این نقل اظهار داشته که نسائی این را حسن دانسته است. (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۶۳۱/۳)

د. گزارش شعبه. شعبه از سلمه بن کهیل گزارش کرده که شنیدم ابا الطّیفیل (م ۱۱۰) حدیث می‌کند؛ اما شک داشت از ابی سربحه نقل شده است یا زید بن أرقم، ... که پیامبر فرمودند: هرکس من مولای اویم، علی مولای اوست. (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۶۲۸/۳)

ه. گزارش اجلح کندي. اجلح کندي، از عبدالله بن بریده از پدرش گزارش می‌کند که پیامبر (ص) فرمود: ای بریده... علی از من است و من از اویم و او ولی پس از من است. (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۶۲۸/۳)

و. گزارش حماد بن سلمه. حماد بن سلمه (محدث ومفتی قرن دوم هجری قمری) از علی بن زید و ابی هارون، از عدي بن ثابت، از براء بن عازب (م ۷۱ یا ۷۲ق) گزارش داده و گفته که همراه

پیامبر^(ص) نزدیک دو درخت توقف کردیم و برای نماز جماعت جمع شدیم و رسول الله^(ص) علی^(ع) را خواند و سپس دستش را گرفت و بلند کرد و ... ادامه‌ی آن، همان مطالب گزارش قبلی است، این بار با آوردن نام راویان قبل از براء بن عازب. (ذهبی، ۱۴۱۳ ق: ۳/۶۲۷).

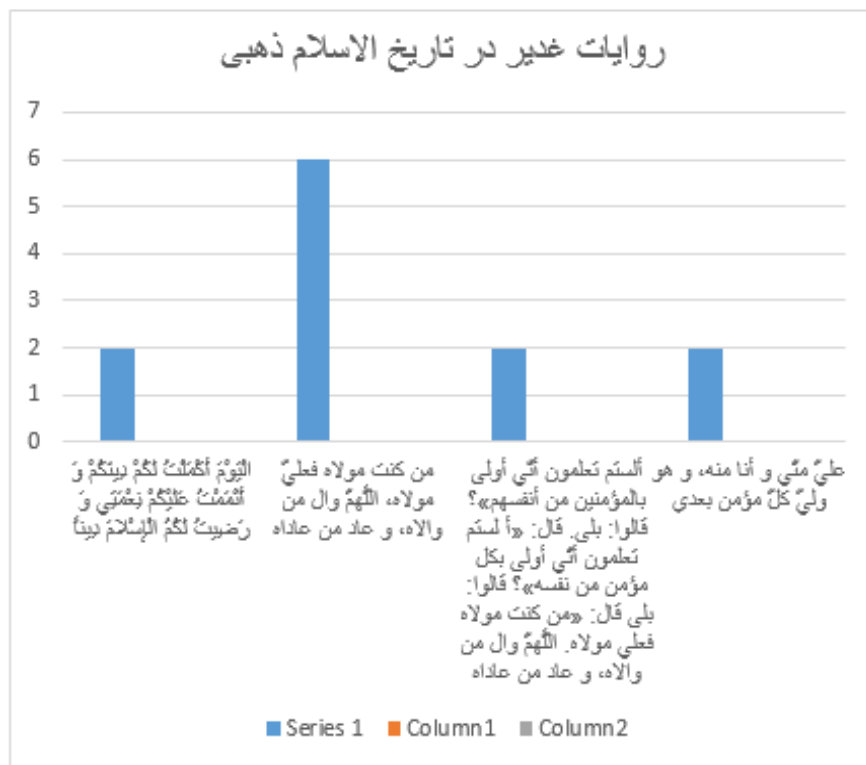
۵. ارزیابی گزارش‌ها

رسول خدا^(ص) بعد از آن که جانشینی امیرالمؤمنین (ع) را اعلام فرمودند، با ذکر دعا و طلب یاری از خداوند متعال برای تثبیت این موضوع مهم و عملی شدن آن، مسلمانان را به یاری وی تشویق کرد و فرمود که اگر چنین کنند، خداوند آن‌ها را مدد خواهد نمود و از سوی دیگر به دشمنان و مخالفان یادآور شده که اگر با او دشمنی کنند و قصد مخالفت با او را داشته باشند، در حقیقت با پروردگار خویش دشمنی کرده و با او به مخالفت برخاسته است. دعای مذکور در گزارش‌ها، با جایگاه خلافت و ولایت سازگاری دارد، این مضمون دعایی نشان می‌دهد که هدف از دوستی علی و پرهیز از دشمنی با او حول محور یک امر مهم مورد نظر است؛ به همین سبب پیامبر^(ص) دوستی با علی (ع) را دوستی خدا و دشمنی با او را دشمنی با خدا اعلام نمود.

در گزارش‌های ذهبی در مورد روایت غدیر، موضوعات قابل توجهی ذکر شده است. با دقت در موضوع گزارش‌های مذکور در می‌یابیم که سه بار آیه اکمال ذکر و صحت وقوع حادثه غدیر و حدیث نبوی در شأن امیرالمؤمنین (ع) تأیید شده است. همچنین ماجرای مناشده حضرت با اصحاب به ویژه در کوفه در خصوص فرموده رسول خدا^(ص) در باب ولایت امیرالمؤمنین^(ع) از طریق ابی‌الطفیل و ابن ابی‌لیلی نقل شده و همین حدیث شش مرتبه دیگر توسط راویان دیگر در غیر مناشده گزارش شده است. همچنین دو بار روایت «علیّ فائمه مّتی و أنا منه، و هو ولیکم بعدی» روایت شده که به صراحت به ولایت امیرالمؤمنین (ع) دلالت دارد.

ذهبی پس از نقل روایت‌های فوق در یک مورد حدیث «من کنت مولاه فعلی مولاه» را به نقل از زید بن ارقم صحیح دانسته و در مورد دیگر حدیث «علیّ فائمه مّتی و أنا منه، و هو ولیکم بعدی» را حسن دانسته و در بقیه موارد تلقی به قبول کرده؛ هرچند نظر صریح ابراز نکرده است. تنها در یک مورد روایت «هر که را من مولایش بودم پس علی^(ع) مولای او است، خدایا دوست بدار کسی که علی را دوست دارد و دشمن بدار کسی که علی را دشمن دارد» را از قول نسائی (بدون تأیید یا رد) ضعیف دانسته است. این روایت‌ها به نقل از ابی‌الطفیل، زید بن ارقم، براء بن عازب، و بریده هر کدام بیش از یک روایت و از سعد پدر عامر، ابن ابی‌لیلی، جد یحیی بن آدم و ابی‌سریحه هر کدام یک

روایت نقل شده است.



یاد این نکته لازم است که گزارش این احادیث توسط ذهبی، نشانه تأیید امامت امام علی^(ع) یا خلافت بلافضل حضرت نیست؛ او نیز مانند استادش ابن تیمیة «مولا» را به معنای ولایت و سرپرستی و امامت نمی‌داند (ابن تیمیة، ۱۳۸۶: ۷۵۷) وی برداشت خاصی از ولایت داشته است (ابن تیمیة، ۱۳۸۶: ۷۵۷) همچنین نکته‌ی دیگر این است که هواداری علی^(ع) و گرایش به مذهب تشیع (نه به معنای اعتقادی)، بین تابعین بسیار شایع بوده تا آن‌جا که ذهبی در میزان الاعتدال بیان می‌کند. تشیع بدون غلو و انحراف، روش تابعین و پیروان آن‌ها بوده است؛ در عین اینکه اهل زهد و ورع و تقوا هستند و اگر حدیث آنان رد شود، قسمتی از آثار نبوی از بین خواهد رفت و مفسده این کار آشکار است. (ذهبی، بی تا: ۵/۱)

نتیجه‌گیری

ذهبی (۷۴۸ق) از عالمان شهیر اهل سنت صاحب کتاب پر آوازه «تاریخ الاسلام» و «وفیات المشاهیر و الاعلام» به حدیث غدیر و گزارش واقعه غدیر خم توجه کرده است. علاوه بر حدیث غدیر، احادیث دیگری در فضائل امیر المؤمنین^(ع) در کتاب تاریخ الاسلام نقل شده است که از نظر مضمونی شبیه حدیث غدیر هستند. وی روایاتی در گزارش غدیر خم و نقل حدیث نبوی مشهور «من كنت مولاة فلي مولاة» از هشت راوی بیان کرده است که اگر بدون تعصب و وابستگی مذهبی یا خاندانی نگریسته شود، دلالت آن بر اعتقاد شیعیان، ولایت و حقانیت امیرالمؤمنین^(ع) در خلافت بلافصل از رسول خدا (ص)، امر مسلم خواهد بود.

ذهبی سه رویکرد را در گزارش غدیر اعمال کرده است؛ رویکرد اول وی تحریف غدیر خم است و آن را روز عرفه بیان کرده است. رویکرد دیگر تضعیف راویان حدیث غدیر است و رویکرد آخر تأیید حدیث غدیر است. به اعتراف شاگردش سبکی و استادش ابن تیمیه، ذهبی دارای تعصب مذهبی علیه تشیع بوده است و قبول نگرش شیعی به حدیث غدیر را نقد می‌کند؛ اما در نقل حدیث غدیر و گزارش حادثه غدیر خم تا حدی منصفانه‌تر از هم‌کیشان معاصر خود عمل کرده است. بررسی نظریات سایر علمای اهل سنت و یافتن تأیید آنان در مورد اثبات رویداد غدیر خم و حقانیت امیرالمؤمنین^(ع) در جهت ارتقاء و بسط حقیقت و حقانیت شیعه در این مورد، گام مفید و موثر است. این موضوع به طرح مسائل بیش‌تر و انجام پژوهش‌های واسع‌تر از این نیازمند است.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن تیمیه الحرانی (۱۳۸۶ش). مختصر منهاج السنه النبویه، اختصار: الشيخ عبدالله بن محمود الغنيمان، ترجمه: اسحاق بن عبدالله العوضی، بی جا، بی نا.
۲. ابن تیمیه الحرانی، ابوالعباس أحمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶ق). منهاج السنه النبویه، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، مصر، مؤسسه قرطبه، الطبعه: الأولى.
۳. ابن حجر عسقلانی (۱۴۱۴). الدرر الکامله فی اعیان المائتہ الثامنہ، بیروت، بی نا.
۴. ابن حنبل، احمد (۱۳۱۳ق). المسند، قاهره، مطبعه المنیریه.
۵. ابن خردادبه (۱۸۸۹م). عیبدالله بن عبدالله، المسالک و الممالک، تصحیح: دی خویه، لیدن، بریل.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی (الف ۱۴۱۳ق). التخصیص لاسرار ما زاد من کتاب الیقین، تصحیح: اسماعیل انصاری زنجانی، قم، مؤسسه دار الکتاب.
۷. — (ب ۱۴۱۳ق). الیقین باختصاص مولانا علی بامرہ المؤمنین، تصحیح: اسماعیل انصاری زنجانی، قم، دار الکتاب.
۸. — (ج ۱۴۱۸ق). اقبال الاعمال، تصحیح: جواد قیومی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۹۰م). البدایه و النهایه، بیروت، مکتبه المعارف.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت، دارالصادر.
۱۱. ابی حاتم الرازی، عبدالرحمن بن محمد بن إدريس (بی تا). تفسیر ابن ابی حاتم، تحقیق: أسعد محمد الطیب، بیروت، المکتبه العصریه صیدا.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۹۵۶م). الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، قاهره.
۱۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۲۰۰۲/۱۴۲۲م). مستدرک الصحیحین، بیروت، انتشارات دار الکتب العلمیه، چاپ دوم.
۱۴. حموی، یاقوت (الف ۱۳۵۷ق). معجم الادباء (رشاد الاریب الی معرفه الادیب)، تصحیح: دکتر احمد فرید رفاعی، قاهره، دار المأمون و مکتبه عیسی البابی الحلبی.
۱۵. — (ب ۱۹۷۷م). معجم البلدان، بیروت، دارالصادر.
۱۶. خرمشاهی، بهاءالدین، احمد حاج سید جوادى، و کامران فانی، (۱۳۷۹ش). دائره دائره المعارف تشیع، تهران، انتشارات شهید سعید محبی.
۱۷. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۲۰۱۱م). تاریخ بغداد، بیروت، نشر دارالکتب العلمیه.

١٨. خواند میر، غیاث‌الدین (١٣٧٩ش). رجال (کتاب حبیب السیر فی اخبار افراد البشر)، گردآوری عبدالحسین نوایی، تهران، انجمن آثار مفاخر فرهنگی.
١٩. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (الف ١٤١٣/١٩٩٣). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی.
٢٠. — (ب ١٤١٣ق). سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله.
٢١. — (بی تا). زغل العلم، بی جا، بی تا.
٢٢. — (١٣٨٧ش). مختصر تاریخ ابن‌الدیبی (ج ١)، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
٢٣. — (١٤٢٢). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، بیروت، تدمری.
٢٤. — (بی تا). میزان الاعتدال، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت، انتشارات دارالفکر، بی تا.
٢٥. — (١٤١٩ق). تذکره الحفاظ (ج ٤)، تحقیق: زکریا عمیرات، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
٢٦. — (بی تا). رساله «طرق حدیث من کُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ»، تحقیق: و تعلیق: علامه سید عبدالعزیز طباطبایی، انتشارات دلیل ما، بی تا.
٢٧. سبکی، عبدالوهاب بن علی (١٩٦٤). طبقات الشافعیه الکبری، قاهره، چاپ محمود طناسی و عبدالفتاح محمد حلو.
٢٨. شافعی، محمد بن ادريس (٢٠٠١م). کتاب الام، تحقیق: رفعت فوزی عبدالمطلب، المنصوره، دار الوفاء.
٢٩. شیخ صدوق، محمد بن علی (١٤٢٩ق). کتاب من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
٣٠. شیخ مفید، محمد بن محمد (١٤٣٠ق). المقنعه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
٣١. طبرسی، احمد بن علی (١٣٨٦ق، ١٩٦٦م). الإحتجاج علی أهل اللجاج، نجف اشرف، انتشارات النعمان.
٣٢. طبرسی، فضل بن حسن (١٣٧٢ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ٣)، تهران، ناصرخسرو.
٣٣. العاملی النباطی، علی بن محمد (١٣٨٤ق). الصراط المستقیم الی مستحقى التقدیم، تصحیح: میخائیل رمضان، نجف، مکتبه الحیدریه.
٣٤. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد (١٤٢٤ق/٢٠٠٣م). سر العالمین و کشف ما فی الدارین، تحقیق: محمد حسن محمد حسن اسماعیل و أحمد فرید المزیذی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
٣٥. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (١٣٧٥ش). روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم، انتشارات رضی.
٣٦. کلینی، محمد بن یعقوب (١٣٧٧ق). الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
٣٧. مقدسی، محمد بن احمد (١٨٧٧م). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، تصحیح: دی خویه، لیدن، بریل.
٣٨. نوری، محمد و مهریزی، مهدی، زمانی نژاد، علی اکبر (١٣٨٤ش). مأخذ شناسی ابوالفتوح رازی، قم، دارالحديث.
٣٩. هبثمی، علی بن ابی بکر (١٤١٤ق/١٩٩٤م). بغیة الرائد فی تحقیق مجمع الزوائد، بیروت، انتشارات دارالفکر.